

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و برزنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

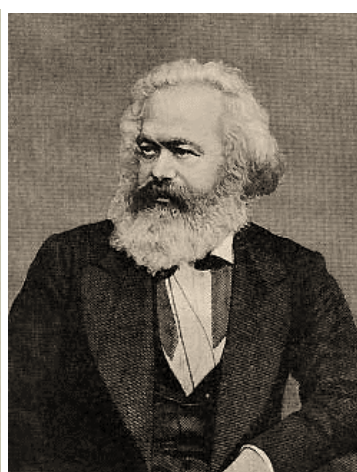
سیاسی

نویسندگان: مارکس-انگلس  
برگردان از: حمید محوی  
ویراستار پورتال: موسوی  
۳۱ مارچ ۲۰۱۹

## پرولتاریای جهان متحد شوید!



فردریش انگل



کارل مارکس

## گزیده نوشته ها درباره استعمار

۳۵

### ۵- نامه کارل مارکس به فردریش انگلس

۸ اکتوبر ۱۸۵۸

...نمی توانیم چنین موضوعی را نفی کنیم، جامعه بورژوائی برای دومین بار قرن شانزدهم را تجربه می کند. ولی امیدواریم که این بار قرن شانزدهم جدید ناقوس مرگ این جامعه را به صدا در آورد، همانطور که در تولدش این ناقوس به صدا درآمد. مأموریت واقعی جامعه بورژوا ایجاد بازار جهانی است، حداقل در خطوط برجسته آن و به همین ترتیب تولید مشروط به بازار جهانی. از آنجائی که جهان گرد است، چنین به نظر می رسد که با استعمار کالیفرنیا و استرالیا و بازگشائی جاپان و چین این مأموریت به پایان رسیده است. برای ما، مسأله ای که باقی می ماند چنین است: روی قاره ما انقلاب قریب الوقوع است و به سرعت شکل سوسیالیستی به خود خواهد گرفت، ولی آیا الزاماً به این گوشه کوچک از جهان محدود خواهد شد، و آیا بخش گسترده تری از جهان تحت تأثیر گسترش جامعه بورژوائی نیست؟

در خصوص چین، بررسی دقیق مرادوات بازرگانی از سال ۱۸۳۶ نشان می دهد که :  
(۱) گسترش صادرات انگلیس و امریکا از سال ۱۸۴۴ تا ۱۸۴۶ ، در سال ۱۸۴۷ نشان داد که حرف پوچی بیش نبوده است، و علاوه بر این در ده سال بعدی نیز میزان صادرات در حال رکود بوده، در صورتی که صادرات چین به انگلستان و امریکا به شکل فوق العاده ای افزایش داشته است.

(۲) بازگشایی پنج بندر و تصرف هنگ-کنگ نتیجه دیگری به جز منتقل کردن امور بازرگانی از کانتون به شانگهای در بر نداشته است. بازارهای دیگر به حساب نمی آیند. به نظر می رسد که علت اصلی چنین شکستی فروش تریاک است که هر گونه افزایش صادرات به چین را تحت تأثیر قرار داده و بدان مشروط کرده است. یکی از دلایل دیگر، ساخت و ساز اقتصاد داخلی کشور است. کشاورزی چین سنتی و به شکل سلولی ست و مانند اینها. یعنی مسائلی که اصلاحاتشان مدت های مدید به طول خواهد انجامید. معاهده کنونی انگلستان با چین<sup>۱</sup>، که من در مورد آن به پارلمستون مظنون هستم، او آن را با توافق کابینه پترزبورگ تهیه کرده، یعنی همان اوراقی که پیش از حرکتش به لرد الجین تحویل داده ، از اول تا آخر دروغ است.

#### ۶- کارل مارکس به فردریش انگلس

۲۰ نومبر ۱۸۶۵

تاریخ جامائیک<sup>۲</sup> بروشنی سرشت پست انگلیس های واقعی را نشان می دهد. انگلیس ها سزاوار آن نیستند که بتوانند روسها را سرزنش کنند. ولی تایمز شجاعانه نوشته است : « این اوباش لعنتی بر اساس قانون اساسی آنگلوساکسون از هر گونه آزادی برخوردار بودند». یعنی از جمله از آزادی پرداخت مالیات خون برخوردار بودند تا برای کشتکاران امکان وارد کردن باربر را ممکن سازند و به این ترتیب بازار کار خودشان را تا میزان حداقل کاهش دهند. و این سگ های انگلیس با رفتارهای با ظرافتشان علیه «این جانور وحشی باتلر<sup>۳</sup>» اعتراض می کردند، زیرا او مردی را به دار آویخته بود و اجازه نداده بود که کشتکاران قدیمی زرد و پوشیده از الماس به صورت سربازان شمالی تُف بیندازند! تا با تمام ریاکاری ناب انگلیس نشان دهند که پس از جنگ امریکا فقط ماجرای ایرلند و قصابی جامائیکا باقی مانده بود...

#### ۷- فردریش انگلس به کارل مارکس

اول دسمبر ۱۸۶۵

...با هر گزارش رسیده، بی شرمی های جامائیکا عیان تر می شود. نامه های افسران انگلیس که با افتخار از جنگ آوری هایشان علیه سیاهان بی سلاح یاد کرده اند بی بدیل است. روحیه ارتش انگلیس در اینجا بی هیچ مانعی خود را نشان می دهد. « موجب سرگرمی سربازان است » خود منچستر گاردین<sup>۴</sup> این بار مجبور شد درباره رویدادها علیه مقامات رسمی در جامائیکا موضع گیری کند...

<sup>۱</sup> معاهده تین-تسین. (مراجعه شود به یادداشت شماره ۴۳۳ در مقاله شماره ۴۱)

<sup>۲</sup> شورش سیاهان جامائیکا در اکتوبر ۱۸۶۵ به رهبری مبلغ مذهب باپتیستی به نام گوردن<sup>۲</sup> صورت گرفت، علت آن بهره کشی وحشیانه استعمارگران انگلیس از سیاهانی بود که می خواستند آنان را از سرزمینشان بیرون کنند. مقامات انگلیس شورش را در خون غرق کردند.

<sup>۳</sup> Butler

<sup>۴</sup> منچستر گاردین، روزنامه بورژوازی انگلیس، ارگان مبادلات آزاد، و لیبرال ها که در منچستر به سال ۱۸۲۱ بنیانگذاری شد.

## ۸- کارل مارکس به فدريش انگلس

۲ نومبر ۱۸۶۷

... در گذشته، تصور نمی کردم که جدائی ایرلند و انگلستان ممکن باشد. امروز به این امر باور دارم، گرچه پس از جدائی ممکن است به تشکیل فدراسیون بینجامد. روش انگلیس را از طریق آمار کشاورزی امسال می بینیم که چند روز پیش منتشر شد. نخست وزیر پادشاه ایرلند، لرد آبرکون در کوران هفته های گذشته وضعیت زمین هایش را با اخراج هزاران نفر روشن کرد. اصلاحات کشاورزی و پیشرفت سرمایه ها به او اجازه داد که زمین های تعدادی از مزرعه داران ثروتمند را تصاحب کند! در هیچ یک از دیگر کشورهای اروپائی، تسلط بیگانه به این شکل مستقیم بومیان را از زمین های خودشان محروم نکرده است. روس ها فقط به دلیل سیاسی مصادره می کنند، پروسی ها در پروس غربی همه چیز را می خردند.

## ۹- کارل مارکس به فدريش انگلس

۳۰ نومبر ۱۸۶۷

... آنچه را که انگلیسیها هنوز نمی دانند، این است که از سال ۱۸۴۶ وضعیت اقتصادی و سپس هدف سیاسی تسلط انگلیس در ایرلند وارد مرحله نوینی شده و مشخصاً به همین دلیل فینانیسم<sup>۵</sup> خصوصیت سوسیالیستی به خود گرفته است (البته به مفهوم منفی یعنی با تمرکز روی تملک زمین) و به عنوان جنبش طبقات نازل. چه چیزی مسخره تر از این که قساوت الیزابت یا کرامول را که می خواستند ایرلندیها را با مهاجران انگلیس بتاراندند (به مفهوم رومی کلمه) و نظام کنونی که می خواهد ایرلندی ها را با جایگزین کردن گوسفند و خوک و گاو بیرون بیندازد در یک سطح قرار دهیم! نظم حاکم از ۱۸۰۱ تا ۱۸۴۶ (در کوران این دوره اخراج ها فقط به شکل استثنائی ست، به ویژه در لینستر<sup>۶</sup> منطقه ای که زمین غالباً به پرورش دام اختصاص دارد)، با اجاره زمین با میانجیگرهایش در سال ۱۸۴۶ از هم فرو می پاشد. حذف تعرفه گمرک برای گندم که به دلیل قحطی در ایرلند به تحریک یا دست کم تسریع آن انجامید در سالهای میانی موجب شد که ایرلند انحصارات خود را در جایگاه تهیه کننده گندم برای انگلستان از دست بدهد. دستور روز از این پس پشم و گوشت بود، در نتیجه باید همه زمین های قابل کشت به چراگاه تبدیل می شد. به همین علت بود که مالکان زمین دائماً گردهمائی تشکیل می دادند. قانون مربوط به املاک مقروض که توده های عادی ثروتمند قدیمی را به زمینداران بزرگ<sup>۷</sup> تبدیل کرد و بر این اساس تحولات را تسریع نمود. [به این ترتیب] از بین بردن مالکیت زمین در ایرلند همانا یگانه تمایل تسلط انگلیس در ایرلند است. دولت تهی مغز انگلیس از تحولات عظیمی که از سال ۱۸۴۶ به وجود آمده طبیعتاً بی اطلاع است. ولی ایرلندی ها می دانند. از بیانیه میگر<sup>۸</sup> (۱۸۴۸) تا دستورات انتخاباتی هنسی<sup>۹</sup>، توری و طرفداران اورکهارت<sup>۱۰</sup> (۱۸۶۶) ایرلندیها نظریات خودشان را درباره این موضوع به روشنی و با انرژی فزاینده بیان کرده اند.

پرسش این است که : به کارگران انگلیس چه چیزی پیشنهاد کنیم ؟ به نظر من باید اتحاد را حذف کنند (چاب قدیمی

<sup>۵</sup> به پاورقی شمار ۵۴۷ مراجعه کنید

<sup>۶</sup> مترجم - لینستر یکی از چهار استان مهم ایرلند

<sup>۷</sup> Landlord

<sup>۸</sup> Thomas Francis Meagher مترجم - (۳ اوت ۱۸۲۳ - ۱ ژوئیه ۱۸۶۷) انقلابی ایرلندی که در ارتش امریکا طی جنگ داخلی در مقام سررتیب ارشد خدمت کرد.

<sup>۹</sup> Hennessey

<sup>۱۰</sup> Urquhart

۱۷۸۳<sup>۱۱</sup> ولی دموکراتیزه و متناسب با شرایط حاضر) و آن را به یکی از مفاد بیانیه خودشان تبدیل کنند. این یگانه شکل قانونی و در نتیجه یگانه شکل ممکن برای آزادی ایرلند است که می تواند وارد برنامه حزب انگلیسی شود. تجربه باید بعداً نشان دهد که آیا اتحاد شخصی ساده می تواند بین دو کشور وجود داشته باشد. من تا نیمه به این نظریه باور دارم، اگر به موقع این کار انجام شود.

نیازمندیهای ایرلند چنین است :

۱. خود مختاری و استقلال در رابطه با انگلستان.
  ۲. انقلاب کشاورزی. انگلیس ها با بهترین آرزومندیهایشان نمی توانند به جای ایرلندی ها انقلاب کنند، ولی می توانند امکانات قانونی را برای آنان فراهم بیاورند تا خودشان بدان تحقق ببخشند.
  ۳. برقراری تعرفه حمایت گرا علیه انگلستان.
- از سال ۱۷۸۳ تا ۱۸۰۱ صنایع ایرلند در همه زمینه ها موفق بود. اتحادیه، با الغای همه حقوق حمایتگرا از سوی پارلمان ایرلند سبب تخریب فعالیت صنعتی در ایرلند شد. صنعت کوچک پشم نیز به هیچ وجه جبران کننده نیست. اتحادیه در سال ۱۸۰۱ همان پیامدی را برای صنایع ایرلند در بر داشت که اقدامات دیکنه شده از سوی پارلمان انگلیس برای خفه کردن صنایع پشم ایرلند در دوران الیزابت و جرج دوم و مانند اینها. به محض این که ایرلندی ها به استقلال دست یابند، نیازشان آنان را به سوی حمایتگرایی سوق خواهد داد، مانند کانادا، استرالیا و کشورهای دیگر. پیش از آن که در شورای مرکزی<sup>۱۲</sup> نظریاتم را مطرح کنم (سه شنبه آینده) خوشحال خواهم شد که در چند جمله نظرت را در این باره به من بگوئی...

## ۱۰- کارل مارکس به لودویگ کوژلمن

۶ اپریل ۱۸۶۸

... در اینجا مسأله ایرلند اولویت دارد. طبیعتاً گلاستون و هم پیاله گانش فقط از آن برای بازگشت به قدرت و تخت پرش انتخاباتی در انتخابات آینده بهره برداری کردند که به <sup>13</sup> household suffrage اتکاء دارد. این رویکرد نوین پیش از همه برای حزب کارگر مضر است، زیرا توطئه چینی که بین کارگران هستند می خواهند به پارلمان آینده راه یابند، اودگر<sup>۱۴</sup> و پاتر<sup>۱۵</sup> و مانند اینها حالا بهانه تازه ای دارند تا به لیبرالهای بورژوا ببینند. از سوی دیگر این چیزی نیست بجز تنبیهی که انگلستان و سپس طبقه کارگر انگلیس برای جنابیتی که به قدمت چندین سده علیه ایرلند مرتکب شده اند تحمل می کنند. و <sup>16</sup> in the long run سرانجام این موضوع به نفع طبقه کارگر انگلیس تمام خواهد شد.

در واقع <sup>17</sup> Established church in iraland- or what they use to call here the irish chrch English کلیسای انگلیس در ایرلند دژ مذهبی زمینداری بزرگ انگلیس در ایرلند و در عین حال پیش قراول کلیسای دولت در

<sup>11</sup> در نزدیکی سال ۱۷۷۰ پیروزی مهاجران شورشی در امریکای شمالی موجب تحریک گسترده جنبش رهائی بخش در ایرلند شد. دولت انگلیس مجبور شد حق بازرگانی برای ایرلند را بپذیرد و قوانینی در این زمینه وضع کند. در سال ۱۷۸۳ منشور پارلمانی این واگذاریها را تأیید و قدرت قانون گذاری را به پارلمان ایرلند واگذار کرد. پس از شکست شورش در سال ۱۷۹۸، منشور اتحاد ۱۸۰۱ (به یادداشت شماره ۶۲۰ در مقاله شماره ۵۹ همین کتاب مراجعه کنید) استقلال ایرلند را از بین برد.

<sup>12</sup> شورای عمومی انترناسیونال اول

<sup>13</sup> در متن به انگلیسی نوشته شده و من نیز این شکل را حفظ کردم. به معنای حق رأی مستأجران.

<sup>14</sup> Odger

<sup>15</sup> Potter

<sup>16</sup> در متن به انگلیسی نوشته شده به معنای سرانجام

<sup>17</sup> در متن به انگلیسی نوشته شده - کلیسای انگلیسی در ایرلند بر پا شد، و همان گونه که بر حسب عادت آن را کلیسای ایرلند می نامند

خود انگلستان است. (در اینجا کلیسای انگلیس را باید به عنوان مالک زمین تلقی کنیم). سقوط کلیسای دولت در ایرلند به سقوط آن در انگلستان منتهی خواهد شد و در نتیجه سقوط زمینداران بزرگ در حال زوال، ابتداء در ایرلند و سپس در انگلستان. من همیشه بر این باور بودم که انقلاب اجتماعی باید به شکل جدی از مالکیت ارضی به عنوان موضوعی بنیادی آغاز شود.

علاوه بر این، چیزی که نتیجه اش بسیار سودمند خواهد بود، کلیسای ایرلند می میرد، زمینداران ایرلندی پروتستان از استان اولستر به مزرعه داران کاتولیک در سه استان دیگر در ایرلند می پیوندند و در جنبش آنان شرکت می کنند، در حالی که تا کنون زمینداران بزرگ از تضاد مذهبی آنان بهره برداری می کنند...

ادامه دارد